

یادداشت

درس هایی از اقتصاد انگلستان

علی صادقی همدانی

اقتصاددان

اگر تاریخ را نه رشته‌ای از وقایع، بلکه نقشه‌ای از «توانایی حکومت‌ها برای مهار قدرت» بخوانیم، آن‌گاه انگلستان اوایل دوران مدرن شبیه آزمایشگاهی است که در آن، دولت، جامعه و بازار، آرام‌آرام قواعد جدید بازی را نوشتند. هیچ‌یک از این تحولات ناگهانی رخ نداد؛ اما هرکدام مانند دندانه‌ای در چرخ‌دنده‌ای بزرگ، مسیر تاریخ اقتصادی جهان را تغییر داد. از دل همین بیوستار است که می‌توان فهمید چرا چرخ سیاست در آن جزیره کوچک، از جایی به بعد، به چرخ صنعت پیوند خورد و چرا هنوز در بسیاری از کشورها -از جمله ایران- این پیوند شکل نگرفته است. این یادداشت سفری است از انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸ تا انقلاب مالی ۱۶۹۴ و سپس انقلاب صنعتی ۱۷۶۰-۱۸۰۰؛ سفری برای فهم اینکه ایران چه چیز را باید بیاموزد، نه اینکه چه چیز را باید تقلید کند.

۱- آغاز سفر: انگلستان پیش از انقلاب شکوهمند

انگلستان قرن هفدهم تصویر ساده‌ای نداشت. پادشاهی که می‌خواست دست در جیب جامعه کند، پارلمانی که به دنبال مهار قدرت بود و جامعه‌ای که آرام‌آرام فهمید «حقوق مالکیت فردی» مهم‌تر از وفاداری به پادشاه است. اینجا نقطه‌ای است که کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» آن را «شروع پایان نهادهای استعماری» می‌خواند، اما نکته مهم‌تر این است که انگلستان پیش از توسعه، نهادهای توسعه‌ساز را ساخت. در ایران اما روایت معمول برعکس است: نخست سیاست‌های توسعه‌گرا را می‌نویسیم، بعد امپدواریم نهادهایی برای اجرای آنها پدید آید؛ یک وارونگی تاریخی که هزینه‌اش هر سال بیشتر می‌شود.

۲- سال ۱۶۸۸: انقلاب شکوهمند و مهار اراده

انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸ نقطه عطفی در تاریخ اقتصادی جهان بود که اراده سیاسی به قانون باخت. در لندن کسی به دنبال آرمان‌گرایی نبود؛ آنچه می‌خواستند، تضمینی بود مبنی بر اینکه هیچ قدرتی فراتر از قانون حرکت نمی‌کند. نکته کلیدی اینجااست: آنچه انقلاب ۱۶۸۸ را متمایز کرد، نه غلبه مردم بر پادشاه، بلکه ایجاد چارچوبی بود که حتی پادشاه را به رعایت قانون وامی‌داشت. قدرتی که مهار شود، قابل اعتماد می‌شود و اعتماد، پیش‌نیاز هر شکل از سرمایه‌گذاری بلندمدت است. وقتی مالکیت از تیررس مصادره، بخش‌نامه و اراده روزمره بیرون رفت، چرخ اقتصاد آرام گرفت و نهاده‌ا از سازوکارهایی وابسته به اراده افراد، به قواعدی تبدیل شدند که حتی قدرتمندان نیز ناچار به تبعیت از آن بودند. در ایران، مسئله اصلی کمبود منابع یا نبود انگیزه اقتصادی نیست؛ چالش در نبود یک چارچوب بایثبات و قابل پیش‌بینی است که کنشگران بتوانند تصمیمات بلندمدت بگیرند. این بی‌ثباتی فقط به بازار محدود نمی‌ماند و کاهی به حوزه سیاست و تضمین حقوق مالکیت نیز سرایت می‌کند.

۳- ۱۶۹۴: انقلاب مالی و تولد دولت قابل اعتماد

انقلاب مالی ۱۶۹۴ با تأسیس بانک انگلستان اتفاق افتاد؛ اما بانک، داستان فرعی بود. داستان اصلی شکل‌گیری ظرفیت دولت مدرن بود: توانایی دولت برای ثبت، محاسبه و بازپرداخت بدهی. یک دولت قادر به بازپرداخت بدهی، می‌تواند آینده بفروشد و امروز بسازد. یک دولت ناتوان از انجام این کار، هر روز مجبور است آینده را قربانی امروز کند. اینجا همان نقطه‌ای است که اقتصاددانان نهادی آن را «پیوند دولت-بازار» می‌نامند. بازار بدون دولت قابل اعتماد شکل نمی‌گیرد و دولتی که توان محاسبه نداشته باشد، سرمایه‌گذار را فراری می‌دهد. برای ایران، این بخش از تجربه انگلستان نه رمان تاریخی است و نه پراتزی در تاریخ اروپا. ایران امروز نیز با بحران داده، گزارش‌دهی و شفافیت مالی مواجه است؛ همان حلقه‌ای که اگر ترمیم نشود، هیچ سیاست اقتصادی -حتی بهترین آنها- به سرانجام نمی‌رسد.

درس دوم مشخص است: دولتی که قادر به تولید و ارائه داده‌های دقیق درباره مالیه عمومی، بدهی و عملکرد خود نباشد، نمی‌تواند اعتماد اقتصادی ایجاد کند.

۴- ۱۷۶۰-۱۸۰۰: انقلاب صنعتی و پیوستگی نهادی

انقلاب صنعتی نه در ۱۷۶۰ آغاز شد و نه در ۱۸۰۰ پایان یافت. انقلاب صنعتی رویدادی دفعی نبود؛ حاصل چند دهه شکل‌گیری نهادی بود که در آن سرمایه‌گذاران به ثبات قواعد، محدودبودن قدرت سیاسی و قابل اتکا بودن نظام مالی اعتماد داشتند. مائین بخار نتیجه این محیط و نشانه‌ای از توسعه نهادی بود، نه علت آن. نوآوری زمانی رشد می‌کند که شکست هزینه‌ای ویرانگر نداشته باشد و موفقیت نیز در معرض مصادره قرار نگیرد. این همان «نهادهای فراگیر» در ادبیات عجم‌واغلو و رایبنسون است: نهادهایی که فرصت‌ها را به شکل برابری در دسترس همگان قرار می‌دهند، نه محدود و انحصاری و دروازه‌ها را باز نگه می‌دارند، نه بسته. در ایران، تلاش برای صنعتی‌شدن همیشه وجود داشته؛ از دارالفنون تا صنایع سنگین دهه ۱۳۴۰ تا طرح‌های پس از جنگ. اما صنعت در ایران به سرنوشتی مشابه مشروطه دچار شد: پایه‌های حقوقی و سیاسی لازم برای حرکت آن فراهم نشد و بنابراین میان سیاست و قانون فضای کافی برای رشد صنعتی شکل نگرفت.

درس سوم روشن است: نوآوری محصول فناوری نیست؛ محصول قانون مترقی و نهادهای فراگیر است تا در سایه تضمین حقوق مالکیت خصوصی و رقابت آزاد انگیزه‌ها برای اختراعات و اکتشافات مورد نیاز بازار تحریک شوند.

۵- سه درس برای امروز ایران (چکیده عملی)

۱- مهار قدرت، نه تمرکز آن: ایران به نهادهایی نیاز دارد که تصمیمات اقتصادی را از فراز و فرودهای سیاسی مصون کند، نه برای بازتولید مدل انگلستان، بلکه برای ایجاد «محدودیت نهادی بر اراده‌های سیاسی غیرمعقول». ثبات حقوق مالکیت و نظام حل‌وفصل اختلافات، نقطه شروع است.

۲- ساخت دولت دارای ظرفیت محاسباتی: ایران تا زمانی که نظام مالی، آماری و نظارتی خود را نوسازی نکند، نمی‌تواند به توسعه پایدار برسد. درس انگلستان این است: دولت قبل از حقیقت توسعه، باید خود قابل اتکا باشد؛ چه از نظر مالی و چه از نظر احترام به حقوق مردم.

۳- آزادی اقتصادی در چارچوب قواعد، نه در خلأ: نوآوری در فضایی شکل می‌گیرد که در آن رقابت واقعی باشد، رانت محدود شود و هیچ‌کس از قواعد، مقررات و قوانین مستثنا نباشد. این همان جایی است که ضعف نهادهای اقتصادی در ایران آشکار می‌شود؛ نهادهایی که به‌جای ایجاد فرصت‌های گسترده برای فعالیت، آن را میان گروه‌های محدود و خاص توزیع می‌کنند.

۶- جمع‌بندی: چرا نگاه به انگلستان برای ایران مهم است؟

انگلستان و تاریخ موفق اقتصادی آن الگویی برای تقلید نیست؛ اما آزمایشگاهی برای فهم رابطه قدرت، قانون و اقتصاد است. نکته اصلی این است که هیچ کشوری مسیر توسعه را از شرایط ایدئال آغاز نکرده است؛ اما تقریباً همه کشورهایی که موفق شدند، در یک چیز مشترک بوده‌اند: محدودکردن قدرت دولت در چارچوب قانون، تقویت توان اجرایی و محاسباتی دولت و ایجاد اطمینان در حقوق اقتصادی شهروندان. ایران از این بخودا جرح سیاست را به چرخ صنعت پیوند دهد، باید این سه حلقه را در زنجیره نهادی خود ترمیم کند. در غیر این صورت، همچنان در همان نقطه‌ای می‌مانیم که بسیاری از ملت‌ها شکست خوردند؛ جایی که اراده، جای قانون را می‌گیرد و آینده، درگوان امروز می‌شود.

شرق: صنایع کوچک سنگ بنای توسعه صنعتی هستند. مطالعات

نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از اقتصاد کشورهای صنعتی، در اختیار صنایع کوچک و متوسط است. به عنوان مثال در کانادا حدود ۷۷ درصد مشاغل جدید توسط صنایع کوچک و متوسط ایجاد شده است یا در کشورهای آسیایی صنایع کوچک و متوسط نقش حیاتی در افزایش رشد اقتصادی، ارتقا و بویایی کشورهایی مانند کشور ژاپن داشته‌اند و حدود ۷۰ درصد از کل اشتغال در اقتصاد ژاپن را پوشش می‌دهند و ۶۰ درصد این صنایع به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با شرکت‌های بزرگ فعال در صنعت ارتباط دارند. در چین نیز ۵۲ میلیون شرکت کوچک و متوسط فعال هستند که این شرکت‌ها ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور و ۶۰ درصد حجم تولید، هفت درصد نوآوری و ۹۰ درصد اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند. در ایران هم صنایع کوچک حدود بیش از ۹۰ درصد از تعداد واحدهای تولیدی و قریب به ۴۵ تا ۵۵ درصد اشتغال صنعتی کشور را تشکیل می‌دهند. این بنگاه‌ها با سرمایه‌گذاری کم می‌توانند ظرفیت اشتغال سریع ایجاد کنند، به‌ویژه در شهرهای کوچک و مناطق کمترتوسعه‌یافته. ضمن اینکه بنگاه‌های کوچک چابک‌تر هستند و سریع‌تر از صنایع بزرگ به تغییرات بازار، فناوری و نیازهای مشتری واکنش نشان می‌دهند. این ویژگی در اقتصاد بی‌ثبات یا تحریم‌محور ایران بسیار مهم است. حالا سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران با بهره‌گیری از سه دهه تجربه سازمان مدیریت صنعتی در ارزیابی و اعتباربخشی بنگاه‌های صنعتی بزرگ اکنون برای نخستین‌بار، رتبه‌بندی شرکت‌های کوچک و متوسط را در سال ۱۴۰۴ در دستور کار خود قرار داده است.

تفاهنامه حمایت از صنایع کوچک برتر

در همین زمینه نخستین همایش رتبه‌بندی بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور با حضور جمعی از مقامات عالی‌رتبه دولت و نمایندگان بخش صنعت در سالن همایش‌های صداسویما برگزار شد. در این رویداد، ۱۰۰ بنگاه برتر کوچک و متوسط شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور معرفی شدند و همچنین از تمیر یادبود «صد بنگاه برتر کوچک و متوسط» رونمایی شد. این همایش به همت سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و با همکاری سازمان مدیریت صنعتی با هدف رتبه‌بندی، ارزیابی ظرفیت‌ها و تقویت حمایت‌های هفدمدن از بنگاه‌های کوچک و متوسط برگزار شد. در این همایش تفاهنامه همکاری فی‌مابین سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته (صحا)، صندوق حمایت از سرمایه‌گذاری صنایع کوچک و صندوق ضمانت صادرات ایران با هدف حمایت از صنایع حاضر در نخستین رویداد (SME100) سال ۱۴۰۴ به امضا رسید و بر اساس آن قرار است ظرفیت‌ها، ابزارها و خدمات مالی و اعتباری صندوق‌ها برای توانمندسازی شرکت‌های منتخب رویداد SME100 به کار گرفته شود. بر پایه مفاد تفاهنامه، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران موظف است طرح‌های واجد شرایط را معرفی کرده و از طریق برگزاری جلسات توجیهی، همکاری در ارزیابی‌های فنی و اقتصادی و ارائه دستاوردها در قالب رویدادها و پوشش‌های رسانه‌ای، فرایند پشتیبانی از واحدهای صنعتی منتخب را دنبال کند. همچنین صندوق‌های صحا، صندوق حمایت از سرمایه‌گذاری صنایع کوچک و صندوق ضمانت صادرات ایران متعهد شدند با اولویت‌بخشی به شرکت‌های منتخب، زمینه بهره‌مندی آنان از حمایت‌های مالی، اعتباری و ابزارهای نوین تأمین مالی را فراهم کنند.

مدت اعتبار این تفاهنامه سه سال تعیین شده و در صورت عدم اعلام کتبی هر یک از طرفین، به صورت خودکار تمدید خواهد شد؛ ضمن اینکه عدم تمدید، تأثیری بر برنامه‌های در حال اجرا نخواهد داشت.

نقش منحصربه‌فرد بنگاه‌های کوچک در توسعه صنعتی

رضا انصاری، مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، در نخستین همایش رتبه‌بندی بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور گفت: «بنگاه‌های کوچک و متوسط نقش منحصربه‌فردی در توسعه صنعتی هر کشور دارند. بر اساس تجربیات جهانی، کلیدی‌ترین نقش این بنگاه‌ها در حوزه اصلی یعنی تقویت و تکمیل زنجیره ارزش صنایع مختلف و ایجاد اشتغال پایدار تعریف می‌شود و افزون بر این، این بنگاه‌ها موتور محرک نوآوری، توسعه فناوری، انتقال تکنولوژی و دانش فنی در اقتصاد محسوب می‌شوند. مطالعه گزارش‌های بین‌المللی از جمله گزارش اخیر سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد امروز با یک «پارادایم‌شift» در اقتصاد و صنعت جهانی روبرو هستیم. حدود چهار تا پنج دهه پیش، ۸۵ درصد ارزش بازار بنگاه‌ها از دارایی‌های فیزیکی و ملموس تشکیل می‌شد؛ اما طبق گزارش وایپو، این نسبت امروز دقیقاً معکوس شده است و در حال حاضر نزدیک ۸۵ درصد ارزش بازار بنگاه‌های جهان مربوط به دارایی‌های نامشهود، شامل دانش، فناوری، برند و سایر دارایی‌های فکری است و بار اصلی این تحول نیز بر دوش بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار دارد. روند سرمایه‌گذاری جهانی نیز بیانگر این تغییرات است». انصاری به طرح رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط اشاره کرد و گفت: «رتبه‌بندی انجام‌شده براساس ۱۴ شاخص کلیدی در حوزه‌های مالی و اقتصادی، توسعه فناوری، نوآوری، مسائل زیست‌محیطی، تحول دیجیتال و صنایع صادرات، برندسازی و شاخص‌های مشابه صورت گرفته است که براساس این ارزیابی‌ها، ۱۰۰ بنگاه برتر انتخاب شده‌اند.

هدف ما این است که بتوانیم بر پایه این رتبه‌بندی، اولویت‌های حمایتی خود را برای سال‌های ۱۴۰۵ تعیین کنیم و در همین راستا، بسته حمایتی جمعی در پنج محور شامل تأمین مالی، توسعه منابع انسانی، تحول دیجیتال و بهره‌وری، توسعه بازار و صادرات، مدیریت دانش، تدوین و رونمایی شده که جزئیات این سندها به صورت اختصاصی برای ۱۰۰ بنگاه برتر و سایر شرکت‌کنندگان در فرایند رتبه‌بندی اعلام خواهد شد؛ بنابراین، چتر حمایتی در سال ۱۴۰۵ به‌طور مشخص بر بنگاه‌هایی متمرکز خواهد بود که در این رتبه‌بندی حضور داشته‌اند». مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران همچنین توضیح داد: «یکی از اهداف اصلی ما، ارتقای جایگاه و مشروعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در سطح ملی است. علاوه بر این، دو اقدام مهم دیگر یعنی استقرار

برای نخستین بار، شرکت‌های کوچک و متوسط در سال ۱۴۰۴ رتبه‌بندی شدند

توسعه عدالت‌محور با صنایع کوچک



صنعتی» نهایی و ابلاغ شده است؛ بنابراین دو سند مهم و اثرگذار در حوزه سیاست‌گذاری بنگاه‌های کوچک و متوسط امروز آماده اجراست و می‌تواند زمینه‌ساز بهبود شرایط این بنگاه‌ها باشد.

وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: «آنچه امروز اهمیت دارد، این است که رتبه‌بندی صد بنگاه نخست SME باید مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های حمایتی قرار گیرد، چراکه خروجی این رتبه‌بندی می‌تواند به شناسایی مشکلات، نیازها و خلاءهای بنگاه‌ها کمک کند تا سیاست‌ها، تسهیلات و حمایت‌های دولت هدفمندتر و مؤثرتر اعمال شود و انتظار ما این است که سیاست‌های کلی دولت و وزارت صمت، براساس نتایج حاصل از این رتبه‌بندی و به منظور رفع چالش‌هایی مانند کمبود منابع و دیگر موانع توسعه‌ای تنظیم و اجرا شود. امروز ما نقشه راه را در اختیار داریم؛ اما موفقیت این مسیر بدون همراهی مدیران، صاحبان بنگاه‌ها، مدیران شهرک‌ها و همه ذی‌نفعان ممکن نخواهد بود و اگر همراهی فعال و مستمر بخش خصوصی وجود نداشته باشد، حتی بهترین اسناد و سیاست‌ها نیز در حد گزارش و کتاب باقی خواهد ماند؛ بنابراین باید اجازه دهیم در بنگاه‌ها، پذیرش فناوری، ارتقای استانداردها و رویکرد صادرات‌محور در اولویت قرار گیرد. شبکه بنگاه‌های کشور زمانی قدرتمند خواهد شد که بنگاه‌های عضو آن، تواور، رقابت‌پذیر و متعهد به اصول حرفه‌ای و توسعه‌گرا باشند».

عارف: روند توسعه اشتغال را باشد

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهوری، در نخستین همایش رتبه‌بندی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط گفت: «جایگاه بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط در توسعه صنعتی کشور نقشی بی‌بدیل و تمام‌کننده است؛ چراکه می‌توانند پایه‌گذار بنگاه‌های بزرگ باشند. امسال سال سرمایه‌گذاری برای تولید است. سرمایه‌گذاری یک چالش برای کشور است و هنگامی که سراخ بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌رویم، این چالش به یک مسئله تبدیل می‌شود؛ بنابراین این همایش در راستای عملی‌کردن شعار سال است». عارف با تأکید بر اینکه نقش صنایع کوچک و متوسط در رشد اقتصادی بسیار مهم است، گفت: «بخش مهمی از توان تولید کشور و اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط شکل گرفته است و هر روز به بلوغ نزدیک‌تر می‌شود. امروز بخش مهمی از بنگاه‌های متوسط و کوچک اقتصادی درخش‌بنیان شده‌اند». او افزود: «روند توسعه کشور باید اشتغال‌زا باشد؛ موضوعی که به‌خوبی در بنگاه‌های متوسط و کوچک اقتصادی دست‌یافتنی است. کشور ما پس از توسعه آموزش عالی با افزایش نرخ بیکاری مواجه شد و اگر بتوانیم از ظرفیت عظیم بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌خوبی استفاده کنیم، آن را به‌خوبی سامان‌دهی و حکمرانی کنیم، این صنایع نه‌تنها می‌توانند محور تحول اقتصادی کشور باشند، بلکه مقصد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی خواهند بود». معاون اول رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه باید شرایط سرمایه‌گذاری ایرانیان خارج از کشور را فراهم کنیم، بیان کرد: «باید به آنها اطمینان کامل دهیم که نه‌تنها سرمایه آنها حفظ می‌شود، بلکه می‌توانند سود حاصل از سرمایه را به شیوه‌ای که مدنظر دارند، بهره‌برداری کنند. این راهبرد به استناد قوانین موجود از طرف دولت چهاردهم دنبال می‌شود».

وزیر صنعت، معدن و تجارت در ادامه تأکید کرد: «دکتر پزشکیان همواره تأکید داشته‌اند عملکرد دستگاه‌های باید منطبق با برنامه هفتم توسعه باشد و یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌هایی که در این برنامه برعهده وزارت صمت قرار گرفته، تدوین و اجرای «سند راهبرد پیشرفت صنعتی کشور» است که بر خلاف اسناد گذشته که بیشتر توصیفی بودند، سند جدید، مبتنی بر رویکرد مسئله‌محور و مأموریت‌محور تنظیم شده است. این سند با تلاش درخورتوجه معاونت برنامه‌ریزی وزارت صمت و با همکاری بخش خصوصی، متشکل‌ها، فعالان صنعتی و صاحبان‌نظران تدوین و قابلیت اجرا و تفکیک وظایف در رشته فعالیت‌های مختلف را دارد که می‌تواند نقطه‌قوت مهمی برای ارتقای بهره‌وری و هدایت صنعت کشور به سمت تکمیل زنجیره‌های ارزش باشد». اتابک افزود: «براساس این، در چنین گاه‌ی، جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط باید یک‌جایگاهی کاملاً کلیدی است و سهم درخورتوجه این بنگاه‌ها در اقتصاد ملی، نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده آنها در شکل‌گیری و تقویت زنجیره ارزش است و همین‌رو ضعیفیت این بنگاه‌ها بهبود و دانش‌بنیان‌ها این پایه کیفی را تضمین می‌کنند». معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به عقب‌ماندن صنعت خودروی کشور در مقایسه با کره جنوبی گفت: «این کشور تولید خودرو را یک سال دیرتر از ما شروع کرد، اما حالا کجاست و ما کجاایم؟».

یادداشت

رنج رئیس‌بودن!



صادق زنگنه

در هفته‌ای که گذشت، نقاب از چهره اینترنت طبقاتی افتاد. ماجرای سیم‌کارت‌های سفید یا همان «سیم‌کارت گیت»، فقط یک خبر تکنولوژیک نبود؛ نمادی بود از شکاف میان «ما» و «آنها». در ستون «مسعودنامه» بی‌برده با آقای پزشک‌یان سخن گفتیم و نوشتیم: اگر پس‌دهند و سیاسی فیلترینگ را همراه با مردم زندگی کند تا عمق فاجعه را درایند.

او این توصیه را شنید و پذیرفت. در میان دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی اعلام کرد دستور داده تا سیم‌کارت‌های سفید مسئولان نیز «سیاه» شود تا طعم تلخ محدودیت را بچشند. این اقدام (اگر بدون تبعیض عملی شود)، ارزشمند خواهد بود ولی مطلقاً کافی نیست، رئیس‌جمهور نیز از این موضوع آگاه است؛ چراکه هم‌زمان اذعان داشت: «فیلترینگ بدترین گرفتاری مملکت است». اما نکته عجیب و تاسف‌بار آنجاست که می‌گوید: «اگر با دستور حل می‌شد، روز اول دستور می‌دادیم که حل شود».

اما چگونه رئیس‌جمهور از نتیجه دستوری که صادر نشده مطمئن است؟ چرا دستور رفع فیلتر را اعلام نمی‌کند؟ اکنون در این وضعیت در ذهن مردم این شائبه است که او خود اراده و میلی برای رفع فیلترینگ ندارد؛ وگرنه هرچه سریع‌تر دستوری که صداقتش در گرو آن است را صادر می‌کرد. شاید نگرانی آقای پزشک‌یان از آن است که مقام رئیس‌جمهور دستور دهد، ولی دستورش اجرا نشود! رنج رئیس‌جمهوربودن همین‌جاست؛ دیگرانی مانع کار تو شوند ولی بار بدنامی آن بر گردن تو باشد، مسئولیت تمام و کمال داشته باشی، اما اختیار تام نه، دیگرانی ترمز ماشین اصطلاحات را بکشند، اما صورت‌حساب حادثه به نام تو نوشته شود.

به هر روی، سیاست میدان مواجهه با واقعیت است، نه فرار از آن. روبه‌روشدن با واقعیت، اصولی‌ترین روش برای مقابله با فوبیاست. رئیس‌جمهور باید صریح و قاطع، دستور رفع فیلترینگ را صادر کند. نتیجه از در حال خارج نیست: با دستور او اجرا می‌شود و بساط این تبعیض برچیده می‌شود، که این خود پیروزی بزرگی برای دولت است؛ یا دستور می‌دهد و «دیگران» مانع می‌شوند. در حالت دوم نیز او پیروز است. مردم درمی‌یابند رئیس‌جمهورشان نه‌تنها مخالف فیلترینگ است، بلکه عملاً نیز اقدام کرده ولی مشکل از جای دیگری است. این شفافیت، سرمایه اجتماعی او را نیز احیا می‌کند.

اما تعلل در صدور فرمان، عواقب سنگینی دارد. ادای‌های مهربان، در آن سوی مرزها، منتظر تصمیم‌گیری‌های داخلی شما نمی‌مانند. کنگره آمریکا لایوح جدیدی برای اینترنت آزاد در ایران ثبت کرده و پارلمان اروپا رسماً از غول‌های فناوری (گوگل، متا و آمازون) خواسته دسترسی شهروندان ایرانی را تضمین کنند.

وقتی در تأمین نیازهای پیش‌افتاده مردم تعلل شود یا با تنگ‌نظری راه را بر آنها ببندید، نمی‌توان انتظار داشت مردم به ناچار به آغوش دایه‌ها پناه ببرند. آنها کلید قفل‌هایی را در دست دارند که شما از بازکردنشان می‌هراسید. شکست بزرگ اینجاست؛ شما نه‌تنها جنگ فیلترینگ را در عرصه بین‌المللی می‌بازید، بلکه مردم خود را نیز از دست می‌دهید.

تصمیم نهایی با شماست. می‌توانید امکان‌ها را رنج «رئیس‌جمهوربودن» و نگرانی از «ستردان» مدارا کنید و شاهد باشید که دیگران برای آزادی می‌دهند. این ویژگی در اقتصاد بی‌ثبات یا تحریم‌محور ایران بسیار مهم است

بایستید.